

# اعجاز قرآن

## درس بیست و هشتم

استاد: حجت الاسلام و المسلمین صادق نیا

آموزشیار: سرکار خانم حیدری

استعاره گونه‌ای مجاز است که در آن رابطه معنای حقیقی با معنای مجازی شباهت میان آن دو است. در استعاره به پیروی از تشبیه لفظی که برای مشبه به وضع شده است در مشبه، به کار می‌رود. از استعاره با انواع مختلف آن به طور گسترده در قرآن کریم استفاده شده است. قرآن، آفاقی جدید از معنا را در برابر چشمان عرب گشود و توان خارق العاده‌ای در بهره برداری از لغت برای ترسیم معانی را به نمایش گذاشت که اعراب تا آن روز نظیر آن را به خاطر نداشتند و این خود، ابعادی از اعجاز بیانی را تشکیل می‌دهد. این مبحث به عنوان هشتمین وجه از وجوه اعجاز بیانی آورده می‌شود. ابتدا تعریف استعاره و سپس انواع آن بیان می‌گردد.

مقصود در استعاره، تشبیه کردن است ولی بدان تصریح نمی‌شود؛ یک طرف تشبیه ذکر می‌شود ولی طرف دیگر اراده می‌شود، در این صنعت ادبی به صورت ادعا مشبه داخل در جنس مشبه به می‌شود و این امر از طریق دلالت امری که خصائص مشبیه را، یادآور می‌گردد، تحقق می‌پذیرد. به عنوان مثال اگر گفته شود: فی الدار اسد، و قصد شود که این مفهوم رسانده شود که انسان شجاعی در خانه هست، گویا ادعا شده که او از جنس شیر است و برای او ویژگی شجاعت که از خصوصیات شیر است ثابت می‌گردد. در این جا مشبه به ذکر می‌شود ولی مشبه اراده می‌شود. بر عکس در جمله انشبت المنيّة أظفارها بفلان، (مرگ چنگال‌هایش را فرو برد) از مرگ، درندگی اراده شده و به آن تشبیه شده؛ یعنی مرگ چیزی جز درنده خویی نیست، و از این رو داشتن چنگال برای مرگ ثابت می‌شود که از ویژگی های درندگان است.<sup>۱</sup> استعاره از نوع مجاز و علاقه آن مشابَهت و از نوع مجاز عقلی است.<sup>۲</sup> ابن رشيق می‌گوید: استعاره برترین نوع مجاز و نخستین باب از باب‌های بدیع است و در زیبایی شعر، چیزی شگفت‌آورتر از آن نیست. استعاره اگر به طور مناسب به کار رود نشانه زیبایی سخن است. بین تشبیه و استعاره، رابطه و نسبت وجود دارد، و به تعبیر دیگر استعاره یکی از روش‌های تشبیه، یا تشبیه همراه با مبالغه است.

---

<sup>۱</sup>. استعاره در حقیقت همان تشبیه است ولی با حذف ادات تشبیه، وجه شبه و یکی از طرفین تشبیه (مشبهو مشبه به). امتیاز استعاره در آن است که کوتاه‌تر و مختصرتر و بلاغت آن نیز از تشبیه افزون‌تر است؛ چون در تشبیه فقط مشبه را به مشبه به مانند کرده، می‌گویند «این شیء همانند آن شیء است» ولی در استعاره می‌گویند «این شیء عین آن شیء است».

<sup>۲</sup>. علماء اهل بیان اتفلق نظر دارند که استعاره از تشبیه، رساتر است؛ چون، استعاره، مجاز است ولی تشبیه، حقیقت؛ و همواره مجاز بلیغ‌تر و رساتر بوده است. سیوطی، معترك الاقران، ج ۱، ص ۲۸۴.

استعاره، با توجه به حالت تشبیه که در آن در نظر گرفته شده، به انواع مختلفی تقسیم می شود، که عبارتند از: استعاره عنادیه و وفاقیه؛ استعاره عامیه و خاصیه؛ استعاره اصلیه و تبعیه<sup>۱</sup>؛ استعاره تجرید و ترشیح؛<sup>۲</sup> استعاره تکنیه و تخیل<sup>۳</sup> و استعاره تمثیلیه<sup>۴</sup>. قرآن، از استعار استفاده فراوانی کرده و بهترین و زیباترین آنها را برگزیده است. آنچه که اعجاز بیانی قرآن را روشن تر می سازد، موارد کاربرد استعاره در قرآن است که بمبرخی از آن پرداخته می شود.

**وفاقیه و عنادیه:** تقسیم، به لحاظ جامع پذیری دو طرف استعاره است.

در استعاره وفاقیه امکان اجتماع دو طرف استعاره هست، مانند: استعاره موت به ضد آن در آیه: «أَوَمَنْ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ»<sup>۵</sup> در این آیه شریفه مقصود از میتاً شخص گمراه و مقصود از احیینه هدایت کردن است، بنابراین این هدایت کردن به زنده کردن تشبیه شده و سپس لفظ احیاء برای آن استعاره آورده شده است، و چون اجتماع هدایت کردن و زنده کردن در شیء واحد (انسان زنده هدایت یافته) ممکن است آن را استعاره وفاقیه نامند.

در استعاره عنادیه، اجتماع دو طرف استعاره با هم ممکن نیست، مانند آیه «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»<sup>۶</sup> در آیه مذکور اشاره به قوم یهود و نصاری شده است، که آنها تسلیم نبودند و خداوند آنها را بر عذابی سخت وعده می دهد، وعده عذاب با تعبیر بشارت که مخصوص خبرهای سرور انگیز است به کار رفته، که این کاربرد، در مورد عذاب، یک نوع تهدید و استهزاء است.

<sup>۱</sup> استعاره به اعتبار لفظ «مستعار» به دو قسم اصلی (اصلیه) و تبعی (تبعیه) تقسیم می شود. استعاره اصلیه آن است که لفظ مستعار در آن اسم جنس باشد، چه اسم ذات؛ مانند: اسد برای شیر ذکر شود، چه در اسم های معنا، مانند قتل برای زدن آورده شود. استعاره در این موارد اصلی است. استعاره تبعیه آن است که لفظ مستعار در آن اسم جنس نباشد، بلکه فعل یا اسم مشتق باشد. آیت الله معرفت، برای استعاره اصلیه و تبعیه، مثال قرآنی را ذکر نمی کند.

<sup>۲</sup> هر گاه در استعاره به ذکر مشبه اکتفا شود و تشبیه مورد نظر از امور محسوس به حواس یا متصور به نیروی عقل نباشد و تنها با نیروی تخیل درک شود آن را استعاره تخیلیه نامند. استعاره تخیلیه را مکثیه نیز گفته اند، چون مشبه به پوشیده و مستور است و به صورت کنایه از لوازش سخن به میان می آید.

<sup>۳</sup> استعاره تمثیلیه آن است که وجه شبه (جامع) در آن از امور متعدد انتزاع شده باشد، این نوع استعاره تقریباً شبیه تمثیل و در میان اهل زبان رایج است و از نظر بلاغت و رساندن مطلب به ذهن مخاطب ارزش فراوان دارد. خلاصه آن که استعاره نوعی مجاز و استعمال کلمه در غیر ما وضع له است.

<sup>۴</sup> و آیا کسی که مرده (جهل و ضلالت) بود ما او را زنده کردیم و به او روشنی (علم و دیانت) دادیم تا به آن روشنی میان مردم (سرافراز) رود. انعام/۱۲۲

<sup>۵</sup> آل عمران/۲۱.

عامیه و خاصیه: این تقسیم از جهت جامع (شباهت) است.

**استعاره عامیه:** عبارتست از استعاره قریب و مبتدلی که بر سر زبانها جاری است و همه آن را می فهمند و نیازی به دقت نظر ندارد. مثل شیر، که برای مرد شجاع استعاره قرار می گیرد.<sup>۱</sup> این نوع استعاره نزد آگاهان علم بلاغت جایگاهی ندارد، اما گاه به شکلی در استعاره عامیه دخل و تصرف صورت می گیرد که آن را از روزمرگی خارج می کند. نفونه زیبایی از این نوع استعاره در این آیه آمده است: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذَّ هَبٌ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ»<sup>۲</sup> در این آیه آب که منشأ حیات و زندگی است، برای شریعتی که از آسمان فرود آمده، استعاره گرفته شده است؛ زیرا در شریعت نیز سعادت زندگی وجود دارد. در این آیه استعدادهای مختلف و مسیرهای مختلف زندگی انسانها به پیچ و خم های مختلفی تشبیه شده که در مسیر رودها وجود دارد و سیل در هر یک به اندازه گنجایش آن جریان دارد.

**استعاره خاصیه:** این نوع، برعکس استعاره عامی، از سطح بالاتری برخوردار می باشد این استعاره، همان استعاره غریبه است که جامع (شباهت) در آن غامض و پیچیده است و جز خواص و صاحب نظران آن را نمی فهمند.<sup>۳</sup> از این نوع در قرآن شواهد بسیاری وجود دارد. در این آیه: «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا»<sup>۴</sup> از رسیدن پیری با دو تعبیر زیبا یاد شده است. یکی تعبیر «وهن العظم» به معنای سستی استخوان که همراه با کهنسالی است. در این جا علت

<sup>۱</sup> در این قسم، ربط بین مستعار له و مستعار منه آشکار است. این گونه استعاره ها گاهی به حدی تکراری و به اصطلاح کلیشه ای می شوند که در حکم لغت معمولی قرار می گیرند و نیروی هنری خود را از دست می دهند. در متون بلاغی به آن عامیه مبتذله می گویند.

<sup>۲</sup> خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر رودی به قدر وسعت و ظرفیتش سیلاب جاری شد و بر روی سیل کفی بر آمد چنان که فلزاتی را نیز که برای تجمل و زینت (مانند طلا و نقره) یا برای اثاث و ظروف (مانند آهن و مس) در آتش ذوب کنند مثل آب کفی بر آورد، خدا به مثل این (آب و فلزات و کف روی آنها) برای حق و باطل ملکه می زند که (باطل چون) آن کف به زودی نابود می شود و اما (حق چون) آن آب و فلز که به خیر و منفعت مردم است در زمین درنگ می کند. خدا مثل ها را بدین روشنی بیان می کند. رعد / ۱۷

<sup>۳</sup> در این استعاره ربط بین مستعار له و مستعار منه نو و دور و غریب است و در متون بلاغی به آن استعاره خاصیه غریبه نیز گفته اند. جامع (شباهت) دیر یاب است و بین دو چیز ناهمگون و ناهمخوان شباهتی ظریف وجود دارد.

<sup>۴</sup> مریم / ۴

باطنی را دلیلی برای علت ظاهری آورده است. تعبیر دیگر، «اشتعل الرأس» به معنای شعله‌ور شدن مو و سپیدی آن که به منظور نشان دادن کهنسالی و پیری آورده شده است. اصل اشتعال و برافروخته شدن، مربوط به آتش است. استعاره‌ای که عامه متوجه آن نمی‌شوند و مانند آن در کلام عرب دیده نمی‌شود. در سپیدی موی تابش نوری وجود دارد همانطور که از هر سپیدی، نور منعکس شده و انتشار می‌یابد. و همچنان که نور گسترش می‌یابد، آتش نیز هنگام سوختن گسترده می‌شود.<sup>۱</sup>

**تجريد و ترشیح:** استعاره به اعتبار ذکر ملایمات و مناسبات مستعار منه و مستعار له، به دو قسم تجريد و ترشیح، تقسیم می‌شود.

**استعاره مجرد:** هر گاه در استعاره، صفاتی ملایم و سازگار با مستعار له بیان شده باشد و گوینده تنها جانب مستعار له را بگیرد، مجرد است مانند آیه: «فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ»<sup>۲</sup> در این آیه شریفه گرسنگی به پوشش و لباس تشبیه شده و آن گاه لفظ «لباس» برای آن استعاره آورده شده است، سپس این استعاره با ذکر یکی از ملایمات مستعار له («اذاقه» به معنای چشاندن) مقرون گشته است. اگر این آیه به صورت استعاره ترشیحی (مرشحه) آورده می‌شد، باید چنین گفته می‌شد: «فكساها الله لباس الجوع» و در این صورت فعل کسا (پوشاندن) از ملایمات مستعار منه (لباس) بود، ولی در این جا تجريد (مجرده) بلیغ‌تر است، زیرا لفظ «اذاقه» با مبالغه بیشتری، رنج باطنی حاصل از عذاب دردناک الهی را نشان می‌دهد.

**استعاره مرشحه:** استعاره مرشحه آن است که با یکی از مناسبات و ملایمات مستعار منه مقرون باشد و گوینده جانب مستعار منه را بگیرد، مانند «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ»<sup>۳</sup> در این آیه شریفه لفظ «اشتراء» برای

۱. رمائی درباره این استعاره می‌گوید: مقصود از آن گر چه پیری و فراوانی موهای سفید سر است، اما چون فراوانی موهای سفید سر به سرعت رو به فرونی می‌گذارد و همه سر را فرامی‌گیرد، از آن به اشتعال تعبیر شده است، مانند شعله‌ور شدن آتش که به سرعت حاصل می‌شود، و این تعبیر جایگاه شگفتی در بلاغت دارد. وجه شباهت، سرعت، سپیدی و تفکیک ناپذیری این حالت از شخص است و این که سرانجام همچون آتش به آنچه درافتد، نابودش می‌کند و چیزی جز خاک از آن باقی نمی‌گذارد. (معجزه بزرگ، ص ۲۳۰)

۲. نحل/۱۱۲.

۳. بقره/۱۶.

جایگزین کردن هدایت با ضلالت و پیگزیدن گمراهی، استعاره آورده شده و در ادامه آیه، این استعاره با «ریح» و «تجارت» که از ملایمات مستعار منه (اشترء) می باشد مقرون شده است.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . در این آیه، جانب مستعار منه که شراء است، رعایت شده و بدین جهت، الفاظ، ریح و تجارت را به سبب مناسبت میان شراء با ریح و تجارت، برگزیده است .

## چکیده :

۱. استعاره، تشبیهی همراه با مبالغه است.

۲. در استعاره یک طرف تشبیه ذکر، و طرف دیگر اراده می‌شود.

۳. استعاره نخ‌ستین باب از بابهای بدیع است.

۴. انواع استعاره عبارتند از : ۱. استعاره عنادیه و وفاقیه؛ ۲. استعاره عامیه و خاصیه؛ ۳. استعاره اصلیه و تبعیه؛ ۴. استعاره

تجریده و ترشیح؛ ۵. استعاره تکنیه و تخییل؛ ۶. استعاره تمثیلیه.

۵. استعاره به لحاظ جامعه‌پذیری دو طرف استعاره، به وفاقیه و عنادیه تقسیم می‌شود.

۶. در استعاره وفاقیه دو طرف استعاره را می‌توان جمع کرد و در استعاره عنادیه دو طرف استعاره جمع نمی‌شود.

۷. استعاره عامیه زود فهم است و از نظر بلاغی جایگاهی ندارد و به آن استعاره عامیه مبتذله می‌گویند.

۸. استعاره خاصه، از سطح عمومی بالاتری برخوردار است و ارزش ادبی بالاتری دارد.

۹. استعاره به اعتبار ذکر و عدم ذکر مناسبات میان مستعار منه و مستعار له به دو دسته تجرید و ترشیح تقسیم می‌شود.